



چرا به امام حسن عسکری (علیه السلام) لقب عسکری دادند؟

چرا امام دهم و یازدهم علیهما السلام را عسکری می‌گویند؟ و چرا فقط امام حسن عسکری علیه السلام به این لقب شهرت یافتند؟ با پاسخ راسخون همراه باشید.

چرا امام دهم و یازدهم علیهما السلام را عسکری می‌گویند؟ و چرا فقط امام حسن عسکری علیه السلام به این لقب شهرت یافتند؟ با پاسخ راسخون همراه باشید.

مقدمه:

ما شیعیان همه اهل بیت علیهم السلام را با القابی می‌شناسیم که گویای فضائل اخلاقی و شخصیتی آن هاست. مثلاً امام علی بن الحسین "سجاد" و بسیار اهل سجده و عبادت.

البته هرکدام از اهل بیت دارای همه صفات پسندیده هستند، اما کاربرد یک لقب معنایش این است که شرایط جامعه مثلاً در دوره امام چهارم، به گونه ای بود که عبادت و سجده های طولانی حضرت ظهور و بروز پیدا کرد و

و لذا این امام بزرگوار به لقب سجاد ملقب شدند؛ همچنان که در دوره امامت امام پنجم شیعیان، شرایط جامعه به گونه ای بود که کمالات علمی حضرت بروز و ظهور پیدا کرد و ملقب به باقرالعلوم شدند.

لذا فقط مقداری از فضائل و کمالات امام بروز و ظهور پیدا می‌کرد و بر همگان روشن می‌شد و همان فضیلت می‌شد لقب عمومی و مشهور آن امام بزرگوار. حال چرا بین همه امامان، لقب مشهور امام یازدهم، "عسکری" است؟

چرا به امام حسن عسکری (علیه السلام) لقب عسکری دادند؟ مشهورترین لقب وی، عسکری است که به اقامت اجباری اش در سامرا اشاره دارد.

او در سامرا تحت مراقبت حکومت عباسی قرار داشت و برای فعالیت هایش با محدودیت روبه رو بود. امام عسکری (ع) از طریق نمایندگان خود و نیز از راه نامه نگاری با شیعیان ارتباط داشت.

القاب امام حسن عسکری (علیه السلام)

مورّخان و محدثان برای امام دهم القاب متعدّدی نوشته اند؛ هم چون: هادی، نقی، نجیب، مرتضی، عالم، فقیه، امین، مؤتمن، طیّب، متوکل، عسکری، فقیه عسکری، ابن الرضا، ناصح، فتّاح، دلیل، رشید، موصّح، شهید، وفیّ، متّقی و خالص. (1)

در برخی از روایات به جای «عسکری»، تعبیر «صاحب العسکر» برای آن حضرت به کار رفته است. (2) برای امام یازدهم نیز القابی چون عسکری، صامت، رفیق، زکیّ، سراج، هادی، مُضیّ، شافی، مرضیّ، مهتدی، نقیّ و خالص به ثبت رسیده است. (3)

مشهورترین لقب حضرت، «عسکری» است. عسکر، نام محله ای در سامرا است و چون امام به فرمان خلیفه عباسی به اجبار در آن محل سکونت داشته به عسکری شهرت یافت. (4)

امام عسکری (علیه السلام) دارای دو کنیه است: «ابومحمد» که کنیه مخصوص حضرت است و «ابن الرضا» که به پدر و جدش امام جواد (علیه السلام) نیز گفته می‌شد. (5)

کدام صحیح است عسگر یا عسکر؟

در ابتدا باید بیان نمود بکار بردن صحیح واژه ها و اسامی ضرورتی است که گاهی با سهل انگاری و بی توجهی به اشتباهات بزرگی منجر می‌شود، یکی از این اشتباهات که بطور مداوم با آن مواجه هستیم بیان و یا نگارش «عسگری» به جای «عسکری» است.

متأسفانه از معاندان و دشمنان تشیع شنیده می‌شود که گفته اند امام حسن عسگری (ع) عقیم بوده و فرزندی نداشته است و عبارت عسگری که لقب ایشان است به معنای عقیم و بی دانه می‌باشد فلذا همین شهرت به عقیم بودن دلیل بر عدم وجود فرزندی برای اوست.

تاریخ گواه است که «عسکری» از مشهورترین القاب آن حضرت است؛ همان طور که امام هادی(ع) را به این لفظ لقب داده اند و عسکر محله ای بوده در شهر سامرا که لشکرگاه و محل توقف سپاه خلفای عباسی در آنجا قرار داشت.

و این لقب مشترک بین آن حضرت و پدرشان امام هادی(ع) می باشد و آن ها را عسکرین گفته اند. اگر بنا بود این لفظ به (گاف) نوشته یا تلفظ گردد می بایست امام هادی (ع) نیز عقیم می بود و از نعمت فرزند محروم تلقی می شد.

از سوی دیگر «عسکر» لفظی عربی است و به معنای لشکر است. «عسکری» اسم منسوب است و منسوب به عسکر است و اصولاً در زبان عربی حرف «گاف» وجود ندارد. (6)

معنا و ریشه ی لقب «عسکری»
به هر حال، لقب «عسکری» که برای دو امام دهم و یازدهم به کاررفته، اسم منسوب به «عسکر» است. کلمه «عسکر» «معرب» است و از کلمه فارسی «لشکر» گرفته شده است. (7)

این واژه در عربی، اسم جمع است و به معنای مختلفی از جمله «گروهی از افراد یا اسب & rlm;& rlm;& rlm& rlm;ها یا حیوانات» و نیز به معنای «پادگان یا لشکرگاه» (مُجْتَمِعُ الْجَيْشِ) به کاررفته و حتی از آن فعل (به معنای جمع شدن در یک مکان) نیز ساخته شده است. (8)

شایان توجه است که نگارش و خوانش این کلمه به صورت «عسگر» غلط است؛ (9) هرچند به دلیل مجاورت سین ساکن و کاف، در زبان محاوره فارسی، حرف «ک» معمولاً با صدایی شبیه «گ» شنیده می شود. (10)

لقب «عسکری» مشترک میان کدام امامان معصوم است؟
لقب «عسکری» نیز مشترک میان امام هادی(ع) و امام حسن عسکری(ع)، است زیرا هر دو در شهر سامرا اقامت اجباری داشتند. «عسکر» عنوان غیرمشهوری برای سامرا بوده است. (11)

بنابراین ، برخی از القاب از جمله «هادی» و «عسکری» مشترک بوده و برای هر دو امام ثبت شده است. ولی به مرور زمان، لقب «هادی» برای امام دهم و لقب «عسکری» برای امام یازدهم شهرت یافت.

بعد از مرگ معتصم در سال 232 هـ، فرزندش متوکل به خلافت رسید و در سال 233 هـ. (12) امام هادی را به سامرا فراخواند و در همین محل موسوم به عسکر، سکنا داد. گویا هدف معتصم از انتخاب آن محل، این بوده که بهتر بتواند رفت و آمدها و فعالیت های امام را زیر نظر داشته باشد .

آن حضرت تا هنگام شهادتش در سال 254، بیش از بیست سال در آن محله سکونت داشت. فرزندش امام حسن عسکری (علیه السلام) نیز که از کودکی همراه پدر به آن جا آمده بود، (13) در همان محل و همان خانه اقامت داشت و در همان خانه نیز بدرود حیات گفت.

از این رو، به ایشان نیز لقب «عسکری» دادند و در هنگام یاد کرد از هر دو امام، تعبیر «عسکرین» را به کاربردند؛

چرا به امام حسن عسکری(علیه السلام) لقب عسکری دادند؟
لقب عسگری بخاطر محله عسگر در سامرا بوده است.
از آنجا که پیشوای یازدهم به دستور خلیفه عباسی در « سامراء»، در محله «عسکر» سکونت (اجباری) داشت، به همین جهت «عسکری» نامیده می شود. (14)،

آیا عسکر همان سامرا است یا بخشی از آن بوده است؟
برخی گفته اند: «عسکر» عنوان نامشهودی برای سامرا بوده (15) (به همه شهر «عسکر» می گفتند)؛ ولی به کار بردن ترکیب اضافی «عسکر سامرا» در متون تاریخی و جغرافیایی، نشان می دهد که عسکر بخش یا محلی خاص از شهر سامرا بوده و بر همه شهر اطلاق نمی شده است.

لقب عسگری بخاطر یک رمز است برای مخفی ماندن نام امام
در واقع واژه "عسکری"، لقبی است که ما امروزه این امام همام را به آن لقب می شناسیم ولی در ابتدای دوره امامت حضرت،

این لقب شبیه به یک اسم رمز برای امام یازدهم بوده است.

یعنی گاه شیعیان به جای نام و کنیه امام، از این تعبیر استفاده می کردند تا به نحوی در گفتگوها و نامه نگاری ها جانب احتیاط را رعایت نمایند.

راویان برای مخفی ماندن نام امام در مکالمات و مکاتبات، گاهی از واژه "الرجل" به معنای آن مرد و گاهی از واژه "الرجل العسکری" استفاده می کرده اند...

این لقب شبیه به یک اسم رمز برای امام یازدهم بوده است. یعنی گاه شیعیان به جای نام و کنیه امام، از این تعبیر استفاده می کردند تا به نحوی در گفتگوها و نامه نگاری ها جانب احتیاط را رعایت نمایند.

راویان برای مخفی ماندن نام امام در مکالمات و مکاتبات، گاهی از واژه "الرجل" به معنای آن مرد و گاهی از واژه "الرجل العسکری" استفاده می کرده اند.

لقب عسگری بخاطر مظلومیت امام حسن عسگری بوه است از آنجاکه در دوره های حیات و امامت امامان معصوم، جامعه هنوز به میزان لازم رشد نکرده بود و توان بهره مندی از همه فضائل و کمالات امامان علیهم السلام را نداشت. این مورد در مورد امام حسن عسگری مشهود است.

و سوال این است که چرا این رویه در مورد امام یازدهم رعایت نشده است؟ چرا لقب مشهور ایشان به نام محل سکونت ایشان است، آن هم محل سکونتی که از جانب خلیفه وقت بر امام تحمیل شده؟

یعنی خفقان آنقدر بالا بوده که حتی یک مورد از فضائل و کمالات امام نیز بروز و ظهور عمومی پیدا نکرده است؟

امام یازدهم شیعیان، اکثر دوره حیات شریفشان (از سن 10 سالگی تا لحظه شهادت) در شهر سامرا و در یک کمپ نظامی تحت نظارت شدید خلفای ستمگر عباسی بود.

یک جهت واضح و پررنگ در این لقب، مظلومیت این امام بزرگوار است، گو اینکه شرایطی مهیا نشد که عموم جامعه محضر امام را به معنای درست کلمه ببینند و فضائلش را درک کنند، لافاقل به قدری که یکی از فضائل اخلاقی لقب امام قرار گیرد.

لقب عسگری بخاطر شهرت و استعمالات عرفی بوده است

اشتهار یا فراموشی یک لقب، قاعده و دلیل مشخصی ندارد و معمولاً تابع استعمالات عرفی است. البته در مواردی هم ممکن است تأکید شخص امام یا امام بعدی، تأثیرگذار بوده باشد؛ چنانکه به نقل اربلی، مشهورترین لقب امام هادی (علیه السلام) «متوکل» بود.

ولی آن حضرت به یارانش توصیه می فرمود که این تعبیر را برای ایشان به کار نبرند؛ چرا که برای حاکم وقت (جعفر بن معتصم عباسی که بین سال های 232 تا 247 بر مسند خلافت بود) به کار می رفت و لقب او شمرده می شد. (16)

گاهی نیز شرایط اجتماعی و سیاسی می تواند تأثیر بگذارد؛ کما اینکه به نظر می رسد اشتهار لقب «رضا» برای امام هشتم، متأثر از ماجرای ولایت عهدی آن حضرت بوده است.

این احتمال نیز دور نیست که بگوییم: لقب عسگری بدین سبب برای امام هادی (عایه السلام) غلبه پیدا نکرد که آن حضرت سال ها قبل از کوچ کردن به عسکر سامرا نیز امام بود و

و به هادی شهرت یافته بود؛ ولی فرزندش امام حسن چنین پیشینه ای نداشت و در همان سال های آغازین زندگی همراه پدر به سامرا رفته بود و گویی از همان آغاز امامت، با لقب «عسگری» شناخته می شد و از این رو، همین لقب برای ایشان غلبه یافت.

لقب عسگری بخاطر محل زندگی و استقرار لشکریان بوده

از برخی گزارش ها نیز می توان برداشت کرد که عسکر سامرا، محل زندگی و استقرار لشکریان بوده و این که محل زندگی امام هادی (علیه السلام) «عسکر» دانسته شده، (17) اشاره به همین محل است. شیخ صدوق می گوید:

مشایخ (/استادان) ما می گویند: محله ای که امام هادی و فرزندش امام حسن در آن جا زندگی می کردند، «عسکر» نامیده می شد و به همین سبب به هر یک از آن دو، «عسکری» گفته می شود. (18)

آن گونه که از جمع بندی گزارش های مختلف تاریخی به دست می آید، سامرا شهری کهن و باستانی بوده است. بعد از اسلام توجه چندانی به آن نمی شد تا این زمان؛ که در دوران خلافت عباسیان، برخی کارهای عمرانی در آن انجام شد.

ولی از هنگامی شهرت و اعتبار یافت که نیروهای نظامی و سربازان معتصم در بغداد زیاد شدند و رفت و آمدشان باعث مزاحمت مردم بود.

پس معتصم به ناچار، لشکریان را از بغداد خارج کرد و به سامرا برد. خودش نیز ساکن سامرا شد و در سال 221 ه. آن جا را پایتخت خود قرار داد. اطرافیانش نیز هر کدام برای خود، بنایی در آن منطقه ساختند. (19)

سکونت لشکریان در سامرا چهره آن را دگرگون کرد و شهر کوچک باستانی، چهره نظامی به خود گرفت. از همین زمان، نام «عسکر» به عنوان محل استقرار لشکریان معتصم، به کار رفت.

بکار بردن لقب عسگری بیانگر رشد شیعیان در اثر تعلیمات اهل بیت است
لقب عسگری بیانگر رشد شیعیان در اثر تعلیمات اهل بیت نسبت به زمان های سابق است؛ یعنی اینکه اهل بیت علیهم السلام که در سالیان طولانی از جانب خلفای ظالم تحت فشار بودند، هم باید ارتباطشان را با شیعیان حفظ می کردند .

و هم به آن ها یاد می دادند که ضمن اینکه ارتباطشان با امام را حفظ کنند، با رعایت نکات مختلف امنیتی بتوانند خودشان و همچنین امام معصوم را از گزند .

لطمه های خلفا و سربازانشان مصون نگه دارند. همچنین بنابر این بوده که شیعیان آموزش ببینند و برای دوره غیبت صغرا و کبرا و ارتباط از طریق نواب خاص و عام آمادگی پیدا کنند.

به طور مثال دوره امامت حضرت زین العابدین نیز که خفقان شدیدی برای حضرت وجود داشت؛ استفاده شیعیان از محضر مبارک امام بسیار کم بوده است.

درحالی که اگر توانمندی در این زمینه داشتند قطعاً می توانستند با رعایت احتیاطات لازم بهره بیشتری از محضر امامشان ببرند.

بکار بردن لقب عسگر به جهت آماده کردن مردم برای دوران غیبت
اهل بیت علیهم السلام در سالیان طولانی از جانب خلفای ظالم تحت فشار بودند. حضور کم رنگ امام در بین مردم باعث می شد که ارتباطشان را با شیعیان حفظ کنند.

و هم به آن ها آموزش دهند که با رعایت نکات مختلف امنیتی بتوانند خودشان و همچنین امام معصوم را از گزند لطمه های خلفا حفظ کنند. همچنین شیعیان برای دوره غیبت صغرا و کبرا آمادگی پیدا کنند.

حضرت مهدی صاحب الزمان ارواحنا فداه نیز در همان محل و همان خانه به دنیا آمدند و آن خانه دقیقاً همان جایی است که امروزه حرم عسکرین علیهما السلام در سامرا شناخته می شود.

در مورد اینکه امام حسن عسکری (ع) چگونه مردم را با دوران غیبت امام زمان (عج) آماده کردند گفت: یکی از کارهای امام حسن عسکری (ع) این بود که مردم را برای پذیرفتن امام غایب آماده می کردند .

زیرا قبل از این همه امام را می دیدند و با امام صحبت می کردند و از این جهت مشکلی نداشتند اما بعد از سال ۲۶۰ ه. ق. مردم با نبود امام کم آشنا شدند و این آشنایی قهراً و طبعاً زمینه سازی ای می خواست که حضرت این کار را انجام دادند.

یکی از آن زمینه سازی ها این بود که حضور امام حسن عسکری (ع) در میان مردم کمتر شد. مسئله عمدی هم بود که در نبود امام نیز می توان با امام اتصال برقرار کرد؛

لذا بسیاری از افرادی که می خواستند خدمت امام عسکری (ع) برسند امام آنها را نهی می کرد و می فرمود شرایط فعلاً

مناسب نیست؛ لذا بعضی از افرادی که می خواستند خدمت به امام حسن عسکری برسند امام در بین راه پیام رسانی فرستاد که برگردید و وارد سامرا نشوید.

وی افزود: یکی از مواردی که حضرت نسبت به آماده کردن مردم برای امامت امام زمان (عج) انجام داد همین بود که مردم کمتر با ایشان تماس پیدا کنند.

تماس های مردم هم این طور بود که بعد از امام حسن عسکری (ع) در غیبت صغری برای اتصال با امام زمان هیچ راهی نبود و این نایب هایی که در زمان خود امام حسن عسکری (ع) شخصیت های بسیار معروفی بودند.

اینها را معین کردند تا در مدت زمانی با این وسیله با امام زمان (عج) ارتباط داشته باشند. آن هم با نامه و نه دیدار حضوری؛ و سپس غیبت کبری شروع شد خود امام حسن عسکری (ع) نسبت به نایبان عامشان که علما و فقهای زمان خود بودند.

آنها را به رشد رساندند که مردم اینها را شناختند از جمله همین ابن بابویه قمی است که حضرت امام حسن عسکری (ع) نامه مفصلی برای او می نویسد تا مردم او را بهتر بشناسند.

افرادی که در قم و غیر قم رشد پیدا کرده بودند افرادی مانند زکریا ابن آدم و دیگر شخصیت های عظیمی که در کنار اهل بیت (ع) بودند یا اشعری هایی که در کنار اهل بیت (ع) بودند شاگردان ائمه بودند اینها کم کم رشد پیدا کردند همه اینها زمینه ای شد برای اینکه مردم یاد بگیرند با نبود امام چگونه می شود زندگی کرد.

کاربر کلمه «عسکر» غیر از سامرا کاربرد دیگری هم دارد.

ناگفته نماند که کلمه «عسکر» غیر از سامرا، به عنوان اسم برای شهرها یا محله های دیگری نیز به کاررفته؛ (20) چنان که یاقوت حموی غیر از «عسکر سامرا» از هشت شهر یا محله دیگر به نام «عسکر» در عراق و مصر شام و ایران یاد کرده است. (21)

ولی آنچه در لقب دو امام بزرگوار شیعه مد نظر است، همان «عسکر سامرا» است و البته غیر از این دو امام، بزرگان دیگری نیز به این محل منسوب شده اند. (22)

نتیجه:

نام محلی در سامرا بوده که از سال 233 به بعد، منزل امام دهم و یازدهم (علیهماالسلام) در آن قرار داشته است. از این رو، هر دو امام به «عسکری» شناخته می شدند.

ولی به مرور زمان، لقب «عسکری» برای امام یازدهم غلبه یافت و از امام دهم پیشتر با عنوان «هادی» یاد شد؛ لقبی که قبل از استقرار ایشان در عسکر سامرا نیز برای آن حضرت به کار می رفت.

در واقع واژه "عسکری"، لقبی است که ما امروزه این امام همام را به آن لقب می شناسیم ولی در ابتدای دوره امامت حضرت، این لقب شبیه به یک اسم رمز برای امام یازدهم بوده است.

یعنی گاه شیعیان به جای نام و کنیه امام، از این تعبیر استفاده می کردند تا به نحوی در گفتگوها و نامه نگاری ها جانب احتیاط را رعایت نمایند.

راویان برای مخفی ماندن نام امام در مکالمات و مکاتبات، گاهی از واژه "الرجل" به معنای آن مرد و گاهی از واژه "الرجل العسکری" استفاده می کرده اند....

پی نوشت:

1. بحارالانوار، ج 50، ص 235،
2. مناقب آل ابوطالب، ج 4، ص 421،
3. جعفریان، همان، ص 536؛ مقدسی، همان، ص 516.
4. فرهنگ دشواری های زبان فارسی، ص 269 (مدخل «عسکر»).
5. ر.ک: همان، ص 27 (مدخل «اشک»).
6. علل الشرایع، ج 1، باب 176، ص 230 /

7. فرهنگ فارسی، ج 2، ص 2300 (مدخل «عسکر»).
- 8 ، لسان العرب، ج 4، صفحه 567 (ذیل مادّه «عسکر»).
7. فرهنگ دشواری های زبان فارسی، ص 269 (مدخل «عسکر»).
10. ر.ک: همان، ص 27 (مدخل «اشک»).
11. ابن خلکان، وفيات الاعیان، ۱۹۷۱-۱۹۷۲م، ج ۲، ص ۹۵.
12. تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 484 - 485.
13. مقدسی، یدالله، همان، ص 516.
14. ، علل الشرایع، ج 1، باب 176، ص 230؛
15. جعفریان، همان، ص 536.
16. كشف الغمه فی معرفه الأئمه، ج 2، ص 374.
17. مناقب آل ابی طالب، ج 4، ص .
18. علل الشرائع، قم، مکتبه الداوری، ج 1، ص 241.
19. معجم البلدان، ج 3، ص 173 - 176.
20. لسان العرب، ج 4، ص .
21. ر.ک: حموی، همان، ج 4، ص 123 - 124.
22. حموی، همان، ج 4، ص 123.

منابع:

<https://makarem.ir/main.aspx?lid=0&typeinfo=43&catid=27863&pageindex=0&mid=321182>

<https://www.jahannews.com/news/781810>

<https://www.alef.ir/news/3961022194.html>

<https://article.tebyan.net/480767>

<https://www.pasokhgoo.ir/content>

<https://fa.wikishia.net/view>

<https://fa.wikifeqh.ir>

راسخون